

دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۱۷، وفاداری خدشه‌دار شده

گاس کانکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل در تدریس خود در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۷، وفاداری سازش کارانه است.

تواریخ‌نویس، ابیا را به عنوان پادشاهی معرفی کرده است که از جنگ مستقیم بین شمال و جنوب جلوگیری کرد، و پادشاهی که واقعاً آرمانی را که خدا برای قوم خود و برای ملت اسرائیل، تمام اسرائیل، همانطور که او دوست دارد به آن اشاره کند، می‌خواست، درک کرد.

این اجتناب از جنگ بین شمال و جنوب چیزی نبود که بتوان برای همیشه از آن اجتناب کرد. بین پادشاهان شمال و پادشاهان جنوب جنگ وجود داشت و ما شاهد آن در جانشین ابیا خواهیم بود، و این پادشاه آسا است. پادشاه آسا، در کتاب پادشاهان، در واقع پادشاه بسیار خوبی است که بسیاری از آنچه خدا برای قومش می‌خواهد را حفظ می‌کند و همه چیزهای درست را دنبال می‌کند.

اما وقایع‌نگار او را پادشاهی معرفی می‌کند که سازشکار بود. و بدون شک، هر دوی این‌ها درست هستند، و مطمئناً آنچه ما می‌دانیم این است که آسا تقریباً در تمام دوران سلطنت خود با پادشاه اسرائیل، در جنگ بود. شهر بیت‌ئیل، که ابیجا آن را بازسازی کرده بود، شهری بود که بر سر مرز بین شمال و جنوب بود. دائماً در حال جنگ بود.

اما ما با بخش خوب درباره آسا و بخش مثبت حکومت او شروع می‌کنیم، جایی که او شروع به تمرکز بر این واقعیت می‌کند که مردم باید پرستش خدا در معبد را درک کنند و هر نوع تلفیق، هر نوع سازش با نمادهای جایگزین، هر نوع سازش با آنچه خدا در نمایش تقدس خود می‌خواست، یک فاجعه بود. یکی از چیزهایی که دائماً در پادشاهان مطرح می‌شود، پرستش در مکان‌های بلند است. اکنون، در بیشتر موارد، حتی در زمان یربعام، پسر نباط، که دو زیارتگاه را در بتل و دان تأسیس کرده است، پرستش در این زیارتگاه‌ها صریحاً پرستش بعل نیست.

بلکه، یربعام می‌خواست این معابد را به عنوان مکان‌های جایگزین عبادت یهوه معرفی کند. او فقط نمی‌خواست مردمی که از شمال به اورشلیم می‌رفتند، از معبد آنجا به عنوان محل عبادت استفاده کنند، زیرا این امر جاه‌طلبی‌های سیاسی او را به خطر می‌انداخت.

بنابراین در عوض، او زیارتگاه‌هایی را در بیت‌ئیل و دان برپا کرد و با برپا کردن آن زیارتگاه‌ها برای پرستش در بیت‌ئیل و دان، نمادهای بعل، به ویژه گوساله، و همچنین چیزی به نام اشیره را معرفی کرد. اشیره در اصطلاحات کتاب مقدس کمی مبهم است، اما یک اشاره واضح به اشیره وجود دارد، و من فکر می‌کنم این همان اشاره‌ای است که بیشتر اوقات، تقریباً همیشه، همانطور که توسط مترجمان یونانی عهد عتیق چنین فهمیده می‌شد، منظور بوده است. اشیره بیشه‌ای از درختان بود، بیشه‌ای از درختان زنده، و این درختان، یا یک درخت، نمایانگر زندگی بودند.

این در فرقه بعل بسیار برجسته بود. در فرقه بعل، اشره نیز یک الهه بود، اما این درخت بود که او را به عنوان دهنده زندگی نشان می‌داد. و بنابراین، به عنوان مثال، در داستان جدعون می‌بینیم، وقتی جدعون برای برداشتن قربانگاه پدرش رفت، تمام درختان را قطع کرد.

آن اشیره بود. من فکر می‌کنم که اساساً منظور همین است، اما در هر صورت، این نمادهای بعل مورد استفاده قرار می‌گرفتند. و نه فقط در شمال

همیشه خطر نفوذ فرهنگی وجود دارد، اینکه ما تمایل داریم کارهایی را که اطرافیانمان انجام می‌دهند، اقتباس و انجام دهیم. و سعی می‌کنیم بگوییم وقتی آنها را انجام می‌دهیم، متفاوت هستند، یا معنای یکسانی ندارند اما مشکل این است که شما نمی‌توانید اهمیت و پیامدهای نمادین آنها را صرفاً به این دلیل که شخص دیگری از آنها استفاده می‌کند، یا در مکان دیگری استفاده می‌شوند، حذف کنید.

همه آن تداعی‌ها باقی می‌مانند. و البته، برای وقایع‌نگار، در واقع فقط یک مکان عبادت مشروع وجود داشت زیرا فقط یک مکان می‌توانست وجود داشته باشد که در آن تقدس خدا نمایان باشد. بنابراین، آسا این را درک کرد و این مکان‌های عبادت بیگانه را حذف کرد، البته با اشاره به یهودا

کار دیگری که آسا در آغاز سلطنت خود انجام داد، تقویت تمام شهرهای یهودیه و داشتن ارتشی عظیم بود نکته‌ی عجیبی در مورد وقایع‌نگار و نگرش او به جنگ وجود دارد. به غیر از داوود، جایی که داوود برای تأسیس امپراتوری خود جنگ‌های تهاجمی انجام می‌دهد، جنگ‌هایی که وقایع‌نگار از آنها گزارش می‌دهد جنگ‌های دفاعی هستند.

او همیشه پادشاهی با ارتشی قدرتمند را نشانه‌ای از این می‌داند که خداوند به حکومت این پادشاه احترام می‌گذارد و او را برکت می‌دهد. اما نکته جالب همیشه این است که از دیدگاه وقایع‌نگار، این ارتش‌های بزرگ هرگز به شما در پیروزی در جنگ کمکی نمی‌کنند. در واقع، بزرگترین ارتش‌ها همیشه جنگ را می‌بازند و جنگ همیشه پیروز می‌شود، بسته به اینکه خداوند در کدام طرف باشد.

و خدا لزوماً طرف پادشاه یهودا نیست. گاهی اوقات خدا پادشاه یهودا را داوری می‌کند. اما در هر صورت وقایع‌نگار ارتش بزرگی را تأیید می‌کند.

شما فقط برای پیروزی در جنگ‌هایتان به آن وابسته نیستید. بنابراین، ما آسا را اینجا داریم و او بر زراح پیروز می‌شود. این یک ارتش نوییابی است.

نوبیا جنوبی‌ترین بخش مصر است. این ارتش احتمالاً تحت فرماندهی مصر بوده و احتمالاً بخشی از ارتش آنها بوده که مصری‌ها در منطقه فلسطینی‌ها از آن استفاده می‌کردند. اما همانطور که وقایع‌نگار از این پیروزی بر آسا گزارش می‌دهد، مطابق با شکل است.

او هیچ اشاره‌ای به ارتش بزرگ آسا، یا هر چیز دیگری، و تخصص و مهارت‌های آنها نمی‌کند. نه، خیلی خیلی واضح می‌شود که این جنگ‌ها، جنگ‌های خدا هستند. و آسا لطف خدا را به دست آورده است، و خدا در نبرد پیروز می‌شود، و آسا غنایم را به دست می‌آورد.

اما سلطنت آسا سپس با پیامبر دیگری ادامه می‌یابد. این پیامبر عزریا است که در فصل ۱۵ دعوت به احیا می‌کند. بازه زمانی این مصیبت‌ها که پیامبر در این سخنرانی کوتاه درباره آنها صحبت می‌کند، مشخص نشده است، اما او درباره مصیبت‌های بسیاری که اسرائیل تجربه کرده است صحبت می‌کند و احتمالاً او به دوران داوران اشاره می‌کند.

اما این واقعاً یک موعظه است. و آزریا سعی دارد به آسا بگوید که صرفاً به این دلیل که تو همه این پریشانی‌ها و همه این مشکلات را داری، به این معنی نیست که خدا با تو نیست، و خدا نجات خواهد داد. تو نباید دلسرد شوی، حتی در زمان‌های چالش‌برانگیز.

این امر آسا را به تجدید عهد و جشنی بزرگ سوق می‌دهد. البته آنچه در اینجا قابل توجه است، و این امر به ویژه فقط در تواریخ، غالب است، مشارکت قبایل شمال در این تجدید حیات است. این مراسمی است که در ماه سوم برگزار می‌شود.

بنابراین این عید، عید هفته‌ها در تقویم یهودیان خواهد بود. در تقویم یهودی سه عید اصلی وجود داشت سال همیشه با عید فصح به عنوان آغاز سال آغاز می‌شد و سپس هفت هفته بعد، جشن آغاز برداشت محصول و همچنین جشن اعطای شریعت در سینا برگزار می‌شد.

سپس، البته، در ماه هفتم، جشن پاییزی برگزار می‌شد که قبلاً به آن اشاره کردیم و اغلب آن را خیمه‌ها می‌نامیم. بنابراین، این جشنی است که کمتر به آن اشاره می‌شود، جشنی که در آغاز برداشت محصول برگزار می‌شود. همچنین جشن هفت روزه و جشن هفته‌ها است.

بنابراین، آسا این مراسم بزرگ را برگزار می‌کند که در آن چیزها را تطهیر می‌کند. و یکی از نشانه‌هایی که در اینجا آمده است، برکناری ملکه مادر است. حال، ملکه مادر کسی بود که با شمال ارتباط داشت و از نظر پرستش یهودا تأثیر منفی داشت.

زنان در طول سلطنت این پادشاهان نفوذ قابل توجهی داشتند، و بنابراین این چیزی بسیار قابل توجه بود همه اینها بسیار مثبت است. اما پایان سلطنت آسا به چیزی برمی‌گردد که در واقع مشخصه کل سلطنت او بود.

اینجاست که با یکی از معماهای کتاب تواریخ روبرو می‌شویم، و باید اعتراف کنیم که شیوه‌ای که وقایع‌نگار داستان خود را روایت می‌کند، ما را با برخی معماها روبرو می‌کند. روش‌های مختلفی وجود دارد که می‌توانیم این وقایع‌نگاری‌ها را کشف کنیم، اما به نظر نمی‌رسد که آنها کاملاً روش‌های وقایع‌نگار را توضیح دهند. بنابراین، آنچه وقایع‌نگار در اینجا گزارش می‌دهد، جنگی با بعشا است که به گفته او در سال ۳۵ رخ می‌دهد.

حال، این زمان بسیار نزدیک به پایان سلطنت طولانی آسا است. اگر به گاهشماری و تاریخ‌هایی که در کتاب پادشاهان به ما داده شده است برگردیم، بعشا تقریباً در بیست و پنجمین سال سلطنت آسا از پادشاهی اسرائیل کناره‌گیری کرد. حداقل ده سال قبل از این.

وقایعی که در اینجا به آنها اشاره شده است، احتمالاً در سال پانزدهم یا شانزدهم سلطنت او رخ داده است. بنابراین، گاهی گفته شده است که سال سی و پنجم نه به آغاز سلطنت آسا، بلکه به زمان تقسیم پادشاهی اشاره دارد که به قبل از رحبام برمی‌گردد. و این قطعاً از نظر گاهشماری درست است.

این مشکل بیشتر از نظر الهیات وقایع‌نگار است، زیرا وقایع‌نگار تمایل دارد در الهیات خود نوعی همبستگی داشته باشد. و داوری خدا با یک شکست یا با یک گناه همراه است. و با این جنگ با بعشا، آنچه ما داریم آشکارا یک داوری است که به نظر می‌رسد بازتابی از نحوه مرگ آسا باشد.

پادشاهان به ما می‌گویند که آسا به دلیل بیماری در پاهایش درگذشت. به نظر می‌رسد وقایع‌نگار این عبارت را، در پادشاهان به عنوان حکمی از جانب خدا می‌داند. در هر صورت، آنچه در اینجا داریم، شکست آسا، شکست او در توکل به خدا است.

بنابراین، او در برهه‌ای از زمان، در مقابل زراح، نمونه‌ای از توکل خود به خدا را نشان داده بود. اکنون او این کار را نکرده است. و ما پیامبر دیگری داریم که ظاهر می‌شود.

این‌ها گاهی اوقات موعظه‌های لاویان نامیده می‌شوند و ممکن است توسط یک لاوی ایراد شده باشند. اما اساساً، آن‌ها تکرار روشی هستند که ما باید به خدا و عهد او تکیه کنیم. و جایی که حنانی به آسا خطر اتحادها و تکیه بر ارتش و سایر قدرت‌ها برای پیروزی در جنگ‌ها را یادآوری می‌کند

این کاری بود که آسا انجام می‌داد. و این کاملاً اشتباه است. و واکنش آسا تبعید حنانی بود

بنابراین، پایان آسا خوب نیست. و آسا درگیر این جنگ بی‌پایان با بعشا است. البته، آن بخش، دقیقاً همان چیزی است که در پادشاهان داریم

آسا و بعشا در تمام دوران آسا در جنگ بودند. بنابراین، این یک مسئله واقعی بود که در آن شمال علیه جنوب می‌جنگید. بنابراین، آرمان ابیا، که در آن می‌توانست از این نوع جنگ‌ها اجتناب شود، به سادگی نمی‌توانست همیشه محقق شود

و در مورد آسا، اینطور نبود. در نهایت، آسا بر اثر بیماری‌اش می‌میرد. و او را با چیزی که ما گاهی اوقات آتش ادویه می‌نامیم، دفن می‌کنند

در مراسم تدفین او از ادویه‌های معطر زیادی استفاده شد. و به نظر می‌رسد که او مراسم تدفین نسبتاً آبرومندانه‌ای داشته است، هرچند که پایان بسیار ناخوشایندی داشته است. بنابراین، آسا نمونه‌ای از وقایع‌نگار یکی از آن پادشاهانی است که کارهای خوب زیادی انجام می‌دهد و کارهای خوبی هم انجام می‌دهد. به خصوص در زمینه اجتناب از التقاط‌گرایی و تطهیر یهودا

اما از دیدگاه وقایع‌نگار، او آن فروتنی خود را در برابر خدا از دست می‌دهد. و چون قلبش مغرور می‌شود، و به خودش تکیه می‌کند، و به اتحادها تکیه می‌کند، در نهایت درگیر جنگ‌های فاجعه‌بار با بعشا می‌شود، و در نهایت در داوری می‌میرد. بنابراین، این یکی از راه‌های وقایع‌نگار است که شما جنبه‌ی منفی را می‌بینید

اگر ندانیم چگونه خود را فروتن کنیم، نتیجه برای ما خوب نخواهد بود

این دکتر آگوست کانکل در آموزه‌هایش در مورد کتاب‌های تواریخ است. این جلسه ۱۷، ایمان سازش کارانه است.